

قهرمانان واقعی در سینمای وسترن

شبی با فیلمنامه در حوزه هنری

جیمز استوارت



ذکر مثالی از فیلمهای «فلینی» و استفاده «فلینی» از سیرک در فیلمهایش به توضیح این روش پرداخت. او ژانر وسترن را ژانری دانست که هیچ ژانری همچون آن دارای این همه محدودیت نبوده و این قدر چهارچوب و قالب خاصی قرار نگرفته است. وی گفت: به سبب همین محدودیتها در این ژانر، وسترن هیچ نوع تأثیر مستقیمی در سینمای ما نداشته است. این ژانر فقط از طریق سینما پیش ما را نسبت به مجموعه سینما بیشتر کرده است.

«دهقان» پس از به پایان رساندن صحبت‌های خود، به سؤالات حاضران در این جلسه پاسخ داد. او در پاسخ به این سؤال که چرا سینمای وسترن شخصیت‌های خود را به مردم جذاب نشان می‌دهد، گفت: «مهمترین چیزی که در سینمای وسترن از اهمیت خاصی برخوردار است، عنصر حرکت است. اگر این حرکت نباشد، اسب و گاری و اکشن‌ها (زدوخوردها) در این اثر بی‌معنی می‌شوند. حرکت عنصر دلپذیری است که اساس سینما را می‌سازد. در سینمای وسترن هم این حرکت وجود دارد.»

وی در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه آیا شباهتی بین قهرمانان جنگی و قهرمانان وسترن وجود دارد افزود: «داستان‌های فیلمهای وسترن در نیمروز و هنگام آفتاب و روشنی اتفاق می‌افتند. البته در بعضی از فیلمهای این نوع سینما استثنایی هم وجود دارد که مثلاً در شب اتفاق می‌افتد. حتی کسی که در آخرین لحظات دوئل شکست می‌خورد اعتراف می‌کند که نسبت به قهرمان مقابلش سریعتر عمل کرده و در تیراندازی خوددست‌تر بوده است. او گفت: «قهرمان و ضد قهرمان در سینمای وسترن، دارای کنتراست و تضاد کمی با هم هستند و معمولاً با اختلافت‌های کوچک و کم‌رنجی همراه هستند.» «دهقان» در پاسخ به آخرین سؤال یکی از حاضران گفت: دوران طلایی سینمای وسترن در بعد از دوران سینمای ناطق بوده. یعنی شکوفایی حجمی آن در دوران سینمای ناطق اتفاق افتاده است و عمدتاً در دهه سی، چهل و پنجاه بوده است. اوج دوران طلایی وسترن در هالیوود در دهه ۱۹۴۰ و دهه ۱۹۵۰ بوده است.»

پس از سخنرانی خسرو دهقان، «فریدون جبرانی» در خصوص ادامه مبحث فیلم فارسی به ایراد سخن پرداخت. وی در ابتدا گفت: «امروز فیلم فارسی تعریف دیگری دارد و برای بررسی آن باید به وسیله پارامترهای امروزی آن را مورد بررسی قرار داد و به همین دلیل همه فیلمهای مبتذل را شامل نمی‌شود. او ادامه داد: فیلم فارسی نبض مخاطب را می‌شناسد و به خوبی با مخاطب رابطه برقرار می‌کند و دارای فرهنگ خاص خود است. فیلمفارسی در دهه‌های ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و در بعد از انقلاب تعاریف جداگانه‌ای دارد. «جبرانی» اوج پیدایش فیلمفارسی را سال ۱۳۴۳ دانست و رشد آن را از زمان استبداد شاه عنوان کرد... وی همچنین در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «ما از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ کسی با عنوان فیلمنامه‌نویس در فیلمفارسی سینمای ایران نداشتیم و کسی به این عنوان در فیلمفارسی فعالیت نمی‌کرد. بازیگران با توجه به خط داستانی و طرح اصلی قصه تهیه‌کننده و کارگردان برای خود دیالوگ نوشتند.» او همچنین یادآورد شد: در دهه پنجاه هجری شمسی،

سینمای واقع‌گرای ایران نمود پیدا می‌کند و فیلمنامه‌نویسی هویتی می‌یابد. وی سپس به تعریف داستان فیلم «سوزان اسلید» و «کارگردان: دلمریوز - محصول ۱۹۶۱ آمریکا» پرداخت و آن را با فیلم ایرانی «ترانه‌های یک روستا» (کارگردان: صابر رهبر - ۱۳۴۳) که از روی داستان فیلم «سوزان اسلید» ساخته شده بود، مقایسه کرد. نمایش خلاصه سکانس‌های این دو فیلم از دیگر برنامه‌های یازدهمین «شب فیلمنامه» بود. در پایان جلسه یازدهمین «شب فیلمنامه»، فیلم «رود سرخ» ساخته هوارد هاکس (محصول ۱۹۴۸ آمریکا) به نمایش درآمد که با استقبال خوب حاضران در این جلسه مواجه شد.

میلادی هر نوع آدمی به آمریکا مهاجرت کرد و از آن زمان تا کنون چیزی در حدود پانصد سال از تمدن این قاره می‌گذرد. اما تاریخ مدرن آن تاریخی دویست ساله است. آدمهای وسترن با انگیزه‌ها و علاقه‌های مختلف از ایالت مشرق به ایالت غرب آمریکا و عمدتاً نیوجرسی رفتند. در واقع پول و غذا و زنده بودن و زندگی کردن سبب شد که آنها از شرق به غرب آمریکا سفر کنند. این وسترن اصلاً به معنای وست، وسترن و وسترنی ارتباطی ندارد. سینمای وسترن می‌تواند هم در مشرق و هم در غرب اتفاق بیفتد. وی همچنین با اشاره به این مطلب که با پیدایش سینما در اواخر قرن نوزدهم میلادی، دوران غرب وحشی به پایان رسید گفت: «قهرمانان به دو طریق وارد سینما شدند. عمده‌ترین و اولین ورود آنان از طریق ادبیات و روزنامه و مجله و رمان بود. آنها به این وسیله داستانهایشان در جاها و مکانهای مختلف پخش می‌شد و دست به دست در بین مردم می‌افتاد و نقل به نقل در زبانها می‌چرخید. او افزود: به وسیله زبان ادبیات، قهرمانان دلپذیر می‌شوند و همه قرن نوزدهم و بیستم را پوشش می‌دهند. همانطوریکه گفتم وسترن اصلاً وجود خارجی نداشته است. از اواخر قرن نوزدهم این سوپرستارها و قهرمانان وارد سینما شدند و خود را در اذهان جای می‌دادند. البته این قهرمانان با خصوصیات خود، بسیار شکننده‌تر، واقعی‌تر و طبیعی‌تر بودند.»

وی دومین روش وارد شدن قهرمانان در سینما را از طریق نمایش دانست و در این باره گفت: «به وسیله نمایش ما در جلد دیگری فرو می‌رویم. البته نمایش‌های عادی‌تر و سنی‌تر و معمولی‌تر و نه نمایشی که همه از آن به عنوان تئاتر و نمایشنامه تصور داریم.» دهقان در این خصوص با

یازدهمین برنامه «شب فیلمنامه» عصر سه‌شنبه گذشته با سخنرانی «خسرو دهقان» و «فریدون جبرانی» دو منتقد فیلمنامه‌نویس) در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد. در این برنامه که اختصاص به مبحث قهرمانان واقعی در سینمای وسترن (ادامه مبحث شخصیت‌پردازی در فیلمنامه) داشت، ابتدا سکانس‌هایی منتخب از فیلمهای جلسه پیشین به نمایش درآمد (آدم برفی - دیدار - آواتی - بانوی زیبای من و ملاقات با دختر تنها) سپس سکانسهای منتخبی از فیلمهای کلامتی جین یا آتشاره زیا، تیرانداز چپ دست، «زندگی و دوران قضاوت قاضی روی بی و تومستون به نمایش درآمد. آنگاه «خسرو دهقان» در خصوص سینمای وسترن، تاریخچه پیدایش و قهرمانان آن سخن گفت. وی در ابتدا یادآور شد که کلام اول سینمای وسترن این است که اصلاً واقعی در سینمای وسترن وجود ندارد و این ژانر از معدود ژانرهای سینمایی است که هیچ چیز در آن واقعی نیست. او در ادامه افزود: وسترن از افسانه و اسطوره می‌آید بنابراین اتفاقات واقعی هرگز در آن محلی از اعراب ندارد. اتفاقات آن اتفاقاتی است که سالها قبل روی داده و هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. سینمای وسترن سینمای غیرواقعی است. برای اینکه ببینیم این سینما واقعی نیست باید ببینیم که این سینما چه چیزی است؟! او همچنین اضافه کرد: «اصلاً سینمای وسترن راجع به تولد یک ملت است که به سمت غرب حرکت می‌کند. این سینما در مورد تاریخ تمدن حرف می‌زند و بسیار متعلق به مکانش است. سینمای وسترن اصلاً خلاص سینمای آمریکاست.»

دهقان در ادامه سخنان خود، تاریخچه پیدایش این نوع سینما را پرشمرد و به کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب، اشاره کرد و گفت: «از اوایل قرن شانزدهم